

شعر تعلیمی ابونواس و سعدی در آینه ادبیات تطبیقی

تورج زینی‌وند*

دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه

رضوان محمدی**

کارشناس ارشد ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی، کرمانشاه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۰۲)

چکیده

شعر ابونواس، شاعر ایرانی تبار و عربی‌سرای قرن دوم هجری را بیشتر با خمربیات و مجنونیات وی می‌شناسند، اما شعر تعلیمی و حکمی او، اگرچه با بسامدی کمتر در دیوانش به چشم می‌خورد، از جمله مضمون‌های درخور پژوهش است. این مضمون شعری در شعر سعدی شیرازی، شاعر فارسی‌زبان قرن هفتم نیز با بسامدی بیشتر هنرنمایی می‌کند. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که سعدی از شعر ابونواس آگاهی داشته است. افزون بر این، شعر تعلیمی سعدی و ابونواس به موضوع‌های مشترکی همچون دنیا، آخرت، گذر جوانی، مرگ و... پرداخته است. وجه اساسی تمایز شعر آنها این است که سعدی از زاویه معنویت و ابونواس با نگاه مادی‌گرایی به هستی و پدیده‌های آن نگریسته است. این پژوهش بر آن است تا بر اساس چارچوب‌های ادبیات تطبیقی و با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های این مضمون در شعر این دو شاعر برجسته بپردازد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، ابونواس، سعدی، شعر تعلیمی و حکمی، ادب

عربی و فارسی.

* E-mail: t_zinivand56@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** E-mail: mohamadirezvan8@gmail.com

مقدمه

ادبیات تعلیمی یکی از مهم‌ترین انواع ادبی در فرهنگ و ادبیات هر کشوری، به‌ویژه در سرزمین‌های صاحب فرهنگ و تمدن است و سعی در پرورش قوای روحی و صفات نیک اخلاقی انسان‌ها دارد. این نوع ادبی در بسیاری از آثار شاعران عربی و فارسی دیده می‌شود؛ از جمله این شاعران می‌توان به ابونواس (۱۳۹-۱۹۸ هـ.ق.) و سعدی (۶۰۶-۶۹۰ هـ.ق.) اشاره کرد. ابونواس شاعر ایرانی تبار و عربی‌سرای قرن دوم هجری است که در عصر عباسی می‌زیست و «نام او حسن است. وی فرزند هانی، فرزند صباح، فرزند عبدالله جرّاح می‌باشد» (البغدادی، ۱۹۳۱م: ۴۳۶). در طبقات‌الشعراء آمده است: «او در سال ۱۳۹ هجری قمری در نزدیک کوهی در اهواز به نام کوه راهبان متولد شد» (ابن‌المعتز، ۱۹۵۶م: ۱۹۳). ابونواس در دوره‌ای می‌زیست که باده‌گساری یکی از آشکارترین مظاهر زندگی آن عصر بود و او نیز از جمله شاعران دم‌غنیمت‌شمار عصر عباسی است که در باده‌نوشی و وصف باده‌همتایی ندارد، اما پس از گذر زمان و پیدا شدن آثار پیری، ترس از مرگ بر او چیره گشت و به گذشته گناه‌آلود خود اندیشید. در این زمان بود که به سرودن قصایدی با مضمون‌های حکمی و تعلیمی، برای جبران گذشته دم‌غنیمتی خود پرداخت (ر.ک؛ الفاخوری، ۱۳۸۶: ۲۹۶ و ۳۰۸).

اما الشیخ الإمام المحقق، ملک‌الکلام، افصح‌المتکلمین، ابومحمد مشرف‌الدین صلح‌بن عبدالله بن مشرف السعدی الشیرازی از شاعران بزرگ ادب فارسی است که در شیراز، در میان خاندانی که از عالمان دین بودند، در سال ۶۰۶ هجری قمری متولد شد. او مقدمات دانش‌های ادبی و شرعی را در شیراز آموخت و برای اتمام تحصیل به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه آن شهر به ادامه تحصیل پرداخت. پس از سال‌های تحصیل، سعدی سفرهای خود را به مناطقی همچون حجاز، شام، لبنان و روم آغاز کرد و از هر خرمی، خوشه‌ای چید. او هرگز یک شاعر درباری نشد، بلکه زندگی را به آزادی، ارشاد و خدمت به خلق گذرانید. شعر حکمی از ویژگی‌های برجسته و شناخته‌شده اشعار سعدی است. وفات سعدی را در مأخذها به چند گونه نوشته‌اند، اما ذی‌الحجّه سال ۶۹۰ هجری قمری به حقیقت نزدیکتر است (ر.ک؛ صفا، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۰۵-۱۰۶). پژوهش حاضر به مقایسه مضمون‌های حکمی در ادب فارسی و عربی بین ابونواس، شاعر عصر عباسی و سعدی شیرازی از نوادر شعر فارسی پرداخته است.

۱- فرضیه پژوهش

۱- سعدی در به‌کارگیری برخی مضمون‌های حکمی از شعر و اندیشه ابونواس تأثیر پذیرفته است.

۲- بنمایه اساسی حکمت‌های ابونواس، «ماده» و «تشاؤم: بدبینی» است، اما خاستگاه شعر سعدی، عنصر «معنی» و «تفاؤل: خوشبینی» است.

۲- چارچوب نظری پژوهش

بنیاد این پژوهش توصیفی - تحلیلی بر مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی استوار است و بر جنبه‌های تأثیر و تأثر و نیز روابط تاریخی - فرهنگی تأکید دارد.

۳- پیشینه پژوهش

در راستای پیشینه این تحقیق، باید گفت که در بررسی مضامین تعلیمی و حکمی بین سعدی و ابونواس، تحقیقات تطبیقی چندانی صورت نگرفته است. حسین‌علی محفوظ (۱۳۷۷) در کتاب متنّبی و سعدی به ذکر شواهدی در باب اثرپذیری سعدی از ابونواس بسنده کرده است و به بررسی عمیقی در این باره پرداخته است، اما پژوهش‌های جداگانه‌ای در مضامین تعلیمی این دو شاعر صورت گرفته است که از جمله آنها موارد زیر است:

۱- مقاله ذوالفقاری و پنبه‌زاری (۱۳۹۰) با عنوان «نقد جایگاه اندیشه‌های تعلیمی و اخلاقیات در آثار سعدی» که به تحلیل جایگاه اخلاق و تربیت در آثار سعدی پرداخته است.

۲- مقاله ابن‌الرسول و مارانی (۱۳۹۳) با عنوان «حکمت‌های تعلیمی مشترک در شعر رودکی و سعدی» که به بررسی اجمالی اندیشه‌های حکمی این دو شاعر با یکدیگر پرداخته‌اند.

در باب پژوهش‌های صورت گرفته درباره شعر تعلیمی ابونواس نیز می‌توان به مواردی اشاره کرد:

۱- مقاله میرحسینی و مقصودی (۱۳۹۰) با عنوان «بررسی تطبیقی زهدیات ابونواس و سنایی» که به مضامین مشترک شعر تعلیمی این دو شاعر پرداخته‌اند.

۲- میرحسینی و نجفی (۱۳۹۰) نیز در مقاله‌ای دیگر به تبیین و مقایسه زهدیات ابوالعاهیه و ابونواس پرداخته‌اند.

۴- پردازش تحلیلی موضوع

در این بخش به بررسی مضامین مشترک و جنبه‌های متفاوت شعر تعلیمی - حکمی ابونواس و سعدی پرداخته می‌شود:

۴-۱- دنیا

ابونواس و سعدی، دنیا را با تعبیرها و مفهومی‌هایی چون دشمنی در لباس دوست، بی‌وفا، فانی و زودگذر، معشوق و عروسی عشوه‌گر و فریبکار به تصویر می‌کشند. ابونواس در بیت زیر، دنیا را دشمنی می‌داند که خود را در لباس دوست به مردمان زمانه می‌نمایاند:

«إِذَا إِمْتَحَنَ الدُّنْيَا لَبِيبٌ تَكَشَّفَتْ لَهُ عَنِ عَدُوِّ فِي ثِيَابِ صَدِيقٍ»
(ابونواس، ۴۲۵ق: ۴۶۶).

یعنی؛ «هرگاه خردمندی این جهان را آزمایش کند، دنیا برای او دشمنی در جامه دوست جلوه نماید».

سعدی در گفتارهای گوناگون خود، دنیا را همچون ماری خوش نقش و نگار، فریبکار و با زهری کشنده، حریفی سفله، صاحبی خونخوار و اسبی که ناگهان انسان را به زمین می‌زند، می‌بیند:

«مکن به چشم ارادت نگاه در دنیا که پشت مار به نقش است و زهر او قتال»
(سعدی شیرازی، ۱۳۸۸: ۴۹۲).

«دنیا حریف سفله و معشوق بی‌وفاست چون می‌رود هرآینه بگذار تا رود»
(همان: ۶۲۵).

«که دنیا صاحبی بدعهد و خونخوار زمانه مادری بی‌مهر و دون است»
(همان: ۵۲۰).

«نظر به چشم ارادت مکن به صورت دنیا که التفات نکردند به روی، اهل معانی پیاده رفتن و ماندن به از سوار بر اسبی که ناگهت به زمین برزند چنان که نمائی»
(همان: ۸۸۱).

ابونواس دنیا را به عروسی خندان تشبیه کرده که آدمیان را به امور پوچ و تهی دنیوی مشغول می‌سازد و لبخندها و لذت‌های خود را به بهایی گران به آدمی می‌بخشد و در مقابل، دین و عمر انسان را از او می‌ستاند:

«أَلَا إِنَّمَا الدُّنْيَا عَرُوسٌ وَأَهْلُهَا أَخُو دَعَا فِيهَا وَ آخِرُ لَاعِبٍ»
(ابونواس، ۴۲۵ق: ۴۶۲).

یعنی؛ هان! همانا دنیا همچون عروسی است و ساکنان آن یا به راحتی مشغول هستند، یا به بازی نقش‌ها).

سعدی هم دنیا را به زنی فریبکار مانند کرده که به هیچ کس وفا نمی‌کند:

«دنیا زنی است عشوه‌گر و دلستان ولیک، با کس به سر همی نبرد عهد شوهری»
(سعدی شیرازی، ۱۳۸۸: ۵۱۳).

در ابیات زیر، ابونواس زودگذر بودن و ناپایداری دنیا را گوشزد می‌کند و بیان می‌دارد که در دنیا شادمانی و غم پایدار نیست:

«نَحْنُ فِي دَارٍ يُخْبَرُنَا بِبَلَاهَا نَاطِقٌ لِحْنٍ»
(ابونواس، ۴۲۵ق: ۴۶۱).

یعنی؛ «ما در خانه‌ای هستیم که ما را به بلاهایی که گوینده و فصیح است، خبر می‌دهد».

«و لَا يُعَزِّتُكَ دُنْيَا نَعِيمَهَا عَنْكَ نَازِحٌ»
(همان: ۴۶۰).

یعنی؛ «آگاه باش تا دنیایی که عیش و فراخ آن از تو دور می‌شود، تو را فریب ندهد».

«سَكَنٌ يَبْقَى لَهُ سَكَنٌ مَا لِهَذَا يُؤْذِنُ الزَّمَنُ»
(همان: ۴۶۱).

یعنی؛ «منزلگاهی که کسانی دیگر در آن نیز ساکن خواهند شد و روزگار به دوام این امر اجازه و مهلت نمی‌دهد!».

سعدی هم بر این اعتقاد است که این دنیای فانی که چند روزی بیش نیست، ارزش غم و اندوه خوردن را ندارد. او دنیا را پُلی برای رسیدن به آخرت و محل گذر می‌داند:

«مرا بار غم بر دل ریش نیست
که دنیا همین ساعتی بیش نیست»
(سعدی شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۹۰).

«مؤید نمی‌ماند این مُلکِ دنیا
نشاید بر او تکیه بر هیچ مسند»
(همان: ۶۰۲).

«دنیا که جسر آخرتش خواند مصطفی،
جای نشست نیست نباید گذار کرد»^۲
(همان: ۴۷۶).

در باب جنبه‌های متفاوت این مضمون در شعر ابونواس و سعدی می‌توان گفت که ابونواس به دنیا نگاهی سراسر بدبینانه دارد و نگرش او به دنیا، نگرشی منفی است، در حالی که سعدی ضمن برشمردن عیوب دنیا، به نکات مثبت آن نیز اشاره می‌کند و دنیا و آخرت را به گونه‌ای مکمل یکدیگر می‌پندارد. او دنیا را وسیله و پُلی برای رسیدن به سرای آخرت و توفیق یافتن در آن سرای جاوید می‌داند. سعدی در ابیاتی دیگر به هنگام دعا نمودن در حق کسی، حصول مطلب در دنیا و آخرت را با هم آرزو می‌کند:

«دنیا پُلی است بر گذر راه آخرت
اهل تمیز خانه نگیرند بر پُلی»
(همان: ۸۳۱).

«همیشه دولت و بخت رفیق باد و قرین
مراد و مطلب دنیا و آخرت حاصل»
(همان: ۴۹۱).

«دو چیز خواهمت از کردگار فرد عزیز:
دوام دولت دنیا و ختم بر ایمان»
(همان: ۵۰۲).

«تو را سلامت دنیا و آخرت باشد
که بیخ خیر نشاندی و داد حق دادی»
(همان: ۵۱۱).

در برخی موارد نیز این مضمون در اشعار سعدی رنگ و بویی عرفانی به خود می‌گیرد. او دنیا و عقبی را برای راه یافتن به بارگاه خداوند پس می‌زند و ذات حق را از هر چیزی برتر می‌داند، در حالی که اشعار حکمی و تعلیمی ابونواس بهره‌ای از این

نوع نگاه ندارند:

«می صرف وحدت کسی نوش کرد
که دنیا و عقبی فراموش کرد»
(همان: ۳۲۶).
«دنیا به چه کار آید و فردوس چه باشد
از بار خدا به ز تو حاجت نتوان خواست»
(همان: ۵۷۲).

۲-۱-۴) زودگذر بودن جوانی

ابونواس آدمی را به غنیمت دانستن دوران جوانی پیش از فرارسیدن دوران پیری فرامی خواند:

«بَادِرْ شَبَابَكَ قَبْلَ الشَّيْبِ وَالْعَارِ وَ حَثَّكَ الْكَأْسَ مِنْ بَكْرِ الْأُبْكَارِ»
(ابونواس، ۴۲۵ق: ۱۲۸).

یعنی؛ «شتاب کن و جوانی خود را پیش از پیری و ننگ ناتوانی دریاب و سپیده‌دمان جامی از باده دست‌ناخورده برگیر و بگردان».

سعدی نیز جوانی را همچون برقی زودگذر می‌داند و آدمی را به دریافتن این دوره از زندگانی دعوت می‌کند و این امر را گوشزد می‌کند که فردا به هنگام پیری نمی‌توان جوانی کرد:

«بادست غرور زندگانی
برق است لوامع جوانی
دریاب دمی که می‌توانی
بشتاب که عمر در شتاب است»
(سعدی شیرازی، ۱۳۸۸: ۵۷۵).
«جوانا! ره طاعت امروز گیر
که فردا جوانی نیاید ز پیر»
(همان: ۴۲۵).

جنبه متفاوت این مضمون در شعر ابونواس و سعدی آن است که ابونواس به زودگذر بودن جوانی به گونه‌ای سطحی می‌نگرد و جوانی را برای بهره بردن از لذت‌های دنیوی زودگذر می‌داند، در حالی که سعدی جوانی را برای انجام امور نیک، طاعت و عبادت بالارزش می‌داند.

۳-۱-۴) توشه آخرت^۲

ابونواس مخاطب خویش را به جمع‌آوری زاد و توشه برای آخرت دعوت می‌کند؛ یعنی همان روزی که برتری از آن کسی است که زاد و توشه بیشتری برای خود فراهم آورده است:

«وَ امْهَدْ لِنَفْسِكَ قَبْلَ مَيِّتَتِهَا وَادْخُرْ لِيَوْمِ تَفَاضُلِ الدُّخْرِ»
(ابونواس، ۴۲۵ق: ۴۵۷).

یعنی؛ «نفس خود را بیروان، قبل از آنکه بمیرد و ذخیره کن برای روزی که برتری

شعر تعلیمی ابونواس و سعدی در آینه ادبیات تطبیقی

تورج زینی‌وند و رضوان محمدی

از آن کسی است که زاد و توشه بیشتری برای خود فراهم آورده است».

سعدی نیز معتقد است کسی در دنیا و آخرت سعادت‌مند است که با خود نصیب و بهره‌ای به سرای آخرت برده باشد و در این دنیا، سعی خود را برای ذخیره توشه به کار گیرد تا در سرای دیگر، حسرت روزهای گذشته را نخورد. سعدی ضمن یادآوری به انسان برای انجام کار خیر و نیک و اندوختن ره‌توشه‌ای برای آخرت، این دنیا را همچون مزرعه‌ای می‌بیند که در آن باید بذر اعمال نیک کاشت و آن را در آخرت درو کرد و از ثمر آن بهره‌مند گردید:

«کسی گوی دولت ز دنیا بَرَد	که با خود نصیبی به عقبی بَرَد» (سعدی شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۰۰).
«به دنیا توانی که عقبی خَری	بِخَر جانِ من، وَر نه حسرت بَری» (همان: ۳۰۵).
«چنان صَرف کن دولت و زندگانی	که نامت به نیکی بماند مَخَلد» (همان: ۶۰۲).
«کسی از زرع دنیا خوشه برداشت	که چندی خورد و چندی توشه برداشت» (همان: ۵۴۱).
«برفتند و هر کس درود آنچه کشت	نماند به جز نام نیکو و زشت» (همان: ۴۳۱).
«خدای سلطنت بر زمین دنیا داد	ز بهر آنکه در او تخم آخرت کاری» ^۴ (همان: ۴۹۸).

با مقایسه شعر ابونواس و سعدی که در باب آخرت سروده‌اند، می‌توان متذکر شد که هر دوی آنها از بهره‌گیری آیات و روایات غافل نمانده‌اند و نگاه ابونواس نسبت به امر آخرت، سراسر ترس است، اما نگاه سعدی به آخرت، دیدی امیدوارانه و مشتاقانه است.

۴-۱-۴) شکیبایی^۵

ابونواس آدمی را به صبر تشویق می‌کند و عاقبت صبر بر حوادث روزگار را نیکو و پسندیده می‌داند:

«إِصْبِرْ لِمَرِّ حَوَادِثِ الدَّهْرِ فَلْتُحْمَدَنَّ مَعْبَةَ الصَّبْرِ»
(ابونواس، ۱۴۲۵ ق: ۴۵۷).

یعنی؛ «بر گذر حوادث روزگار صبر کن؛ زیرا سرانجام صبر، مورد ستایش قرار گرفتن است».

سعدی نیز بیان می‌دارد که صبر بر سختی‌ها عاقبت نیکویی دارد؛ چراکه پس از

سختی آسانی روی می‌نماید:

«پس از دشواری آسانی است ناچار ولیکن آدمی را صبر باید»
(سعدی شیرازی، ۱۳۸۸: ۶۳۱).
«کامجویان را ز ناکامی چشیدن چاره نیست
بر زمستان صبر باید طالب نوروز را»
(همان: ۵۶۱).

۴-۱-۵) مرگ

در ابیاتی که ابونواس درباره مرگ سروده است، می‌توان نهایت بی‌تابی و ترس را در آنها دید. او هر چیزی را به جز ذات خداوند، رو به مرگ و هلاک شدن می‌بیند؛ چراکه معتقد است همگان طعم آن را می‌چشند:

«أَرَى كُلَّ حَيٍّ هَالِكًا وَأَيْنَ هَالِكٍ وَ ذَا نَسَبٍ فِي الْهَالِكِينَ عَرِيقٌ
فَقُلْ لِقَرِيبِ الدَّارِ إِنَّكَ ظَاعِنٌ إِلَى مُنْزِلِ نَائِي الْمَحَلِّ سَجِيقٌ»
(ابونواس، ۴۲۵ق: ۴۶۶).

یعنی؛ «دیده شده است که هر زنده‌ای هلاک شده، نیز هلاک می‌شود و در بین هلاک‌شدگان با اصل و نسب و ریشه‌دار وجود دارد. به آن که به خانه‌اش (دنیا) نزدیک است (و به آن چسبیده است)، بگو که به سوی منزلگاهی دور کوچ خواهی کرد!».

«إِنَّ مَعَ الْيَوْمِ فَاعْلَمَنَّ غَدًا فَأَنْظِرْ بِمَا يَنْقُضِي مَجِيءَ غَدِهِ
مَا أَزْتَدَ طَرْفَ إِمْرَةٍ بِلَذَّتِهِ إِلَّا وَ شَيْءٍ يَمُوتُ مِنْ جَسَدِهِ»
(همان: ۴۶۴).

یعنی؛ «همانا همراه روزگار از فردا آگاه می‌کنند. پس نگاه کن به آنچه که می‌گذرد و فردا می‌آید. هیچ گاه فرد به لذت فردا نمی‌رسد، جز اینکه آن لذت‌ها در جسم او می‌میرند».

سعدی شیرازی نیز در ابیات زیر بیان می‌دارد که مرگ همه را در بر می‌گیرد و هیچ کس از آن رهایی نمی‌یابد و نباید از مرگ دیگران خشنود شد؛ چراکه مرگ، واقعه‌ای است که هیچ کس را از آن گریزی نیست:

«کاین باز مرگ هر که سر از بیضه بر کند، همچون کبوترش بدراند به چنگلی»
(سعدی شیرازی، ۱۳۸۸: ۸۳۱).

«شادمانی مکن که دشمن مُرد تو هم از مرگ جان نخواهی بُرد»
(همان: ۹۳۳).

جنبه متمایز نگاه ابونواس و سعدی در ارتباط با مرگ این است که ابونواس به پدیده مرگ نگاهی بدبینانه دارد و مرگ را برابر با هلاک شدن می‌داند، اما سعدی در برخی ابیات با دیدی خوش‌بینانه به مرگ نگاه کرده و آن را پایانی برای گناهان انسان می‌بیند. او مرگ را پایان زندگانی نمی‌داند و معتقد است با بر جای نهادن نام نیک از

شعر تعلیمی ابونواس و سعدی در آینه ادبیات تطبیقی

تورج زینی‌وند و رضوان محمّدی

خود می‌توان جاودانه شد و همین گونه مرگ را از زندگی که همراه با پستی، خواری و ناگواری باشد، بهتر می‌داند:

«چو من زنده هرگز مبادا کسی
برست آن که در عهد طفلی بمرد
که مرگش به از زندگانی بسی
که پیرانه‌سر شرمساری نبرد»
(همان: ۳۴۶).

«خرم تن آنکه نام نیکش،
مآند پس مرگ جاودانی»
(همان: ۸۸۱).

«تشنیدی حدیث خواجه بلخ:
مرگ خوشتر که زندگانی تلخ»
(همان: ۸۸۹).

۴-۱-۶) مال و ثروت

در نظر ابونواس، مال و ثروت اندوختن ارزش ندارد، از آن روی که به‌زودی نابود می‌شود و بهره‌آدمی از آن کفنی بیش نیست:

«كُلُّ مَذْخُورٍ سَيَفْنَى كُلُّ مَذْكَورٍ سَيُنْسَى»
(ابونواس، ۱۴۲۵ق: ۴۶۲).

یعنی؛ «به‌زودی هر ذخیره‌ای از بین می‌رود و هر ذکر شده‌ای فراموش خواهد شد».

«كُلُّ حَيٍّ عِنْدَ مَيِّتِهِ حَظُّهُ مِنْ مَالِهِ الْكَفْنُ»
(همان: ۴۶۱).

یعنی؛ «هر زنده‌ای به هنگام مرگش بهره‌اش از مالش، کفنی بیش نیست».

سعدی نیز معتقد است که مال و ثروت دنیوی ارزش اندوختن ندارد؛ چراکه ناپایدار است و پس از چندی نابود می‌گردد و نصیب وارثان خواهد شد:

«کرا سیم و زر مآند و گنج و مال،
پس از وی به چندی شود پایمال»
(سعدی شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۷۲).

«به مال غره چه باشی که یک دو روزی بعد
همه نصیب میراث‌خوار خواهد بود»^۲
(همان: ۴۸۱).

وجه متفاوت دیدگاه ابونواس و سعدی به مال و ثروت دنیوی، این است که ابونواس مال دنیا را برای تلذذ می‌خواهد، اما سعدی پرهیز از دنیاگرایی را مدّ نظر دارد.

۴-۱-۷) آرزوهای طولانی

ابونواس جوانی را دورانی برای داشتن آرزوهای دور و دراز و پیری را دوره‌ای برای پندگیری می‌داند:

«لَهُ دَرُّ الشَّيْبِ مِنْ وَعَظٍ وَ نَاصِحٍ لَوْ سُمِعَ النَّاصِحُ»
(ابونواس، ۴۲۵ق: ۴۶۳).

یعنی؛ «به خدا سوگند! پیری دوره وعظ و نصیحت است، اگر نصایح آن شنیده شود!».

همچنین، سعدی درباره آرزوهای طولانی به آدمیان گوشزد می‌کند که از آرزوهای دور و دراز بپرهیزید؛ چراکه مرگ نزدیک است:

«ای پای‌بستِ عمرِ تو بر رهگذار سیل! چندین اَمَل چه پیش نهی، مرگ در قفا»^۸
(سعدی شیرازی، ۱۳۸۸: ۴۶۹).

۴-۱-۸) نَفْس^۹

در ابیات زیر، ابونواس کسی را که با نَفْس خود نمی‌جنگد، از خود می‌راند و بیزاری خود را از گناه بیان می‌دارد:

«أَيَا مَنْ بَيْنَ بَاطِيَةِ وَ زَقِّ
إِذَا لَمْ تَنْهَ نَفْسَكَ عَنْ هَوَاهَا
وَأَعُوذُ فِي يَدَيَّ غَانَ يُعْنِي
وَتُحْسِنُ صَوْتَهَا فَأَلَيْكَ عَنِّي
فَأِنِّي قَدْ شَبِعْتُ مِنَ الْمَعَاصِي
وَ مِنْ لَذَائِهَا وَ شَبِعَنْ مِنِّي»
(ابونواس، ۴۲۵ق: ۴۶۳).

یعنی؛ «ای آن که در میان خُم و جام باده، و عود موسیقی در دست آوازخوانی که می‌خواند، هستی! اگر نَفْس خود را از هوای اینها بازنداری و صداقت را نیکو نگردانی، از من دور شو! من از گناهان و لذت‌های آنها سیر شده‌ام و آنها هم از من سیر شده‌اند».

سعدی نیز آدمی را از پیروی از نَفْس برحذر می‌دارد؛ چراکه معتقد است پیروی از نَفْس، آدمی را خوار و ذلیل می‌سازد و آدمی را به پیکار با نَفْس تشویق می‌کند:

«مَبْر طَاعَتِ نَفْسِ شَهْوَتِ پَرَسْت
کند مرد را نَفْسِ اَمَارَه، خوار
که هر ساعتش قبله دیگرست
اگر هوشمندی عزیزش مدار»
(سعدی شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۸۱).

«سعدی هنر نه پنجه مردم شکستن است

مردی درست باشی، اگر نَفْس بشکنی»

(همان: ۷۱۶).

۴-۲) تشابه برخی مضامین تعلیمی شعر ابونواس و سعدی

بخش زیادی از ادبیات فارسی و ادبیات عربی را ادبیات تعلیمی تشکیل می‌دهد که نمونه‌های آن را می‌توان در پند و اندرزها، آموزه‌های زهدآمیز و اخلاقیات مشاهده کرد، در حالی که نقش اندیشه‌های ایران باستان و آموزه‌های اسلامی را نمی‌توان انکار کرد و در بررسی و ریشه‌یابی این حکمت‌ها و علل تشابه برخی مضامین در اشعار ابونواس و سعدی می‌توان به مواردی، از جمله بهره‌گیری آنها از حکمت‌های ایران باستان، آموزه‌های دینی و اصل توارد اشاره کرد.

سعدی یکی از تأثیرگذارترین شاعران ادب فارسی است که اساس اندیشه‌هایش را می‌توان در اخلاقیات جست. او از جمله شاعرانی است که در خانواده‌ای که همه از عالمان دین بوده‌اند، متولد شده، علوم شرعی را در شیراز و آنگاه در مدرسه نظامیه بغداد به اتمام رسانده است و همواره از آیات و احادیث بهره برده است و بیشتر مضامین اشعار تعلیمی خود را از این منابع وام گرفته است. همچنین، «بی‌تردید نسبت‌نامه هنر و اندیشه مولا علی^(ع) در ذهن و زبان شاعر شیراز جایگاه گرانسنگی دارد که اگر عمق آن را بکاویم، ریشه‌های این پیوند را در ناخودآگاه او خواهیم یافت» (خلیلی جهان‌تیغ، ۱۳۷۹: ۱۷۶). سعدی با توجه به احاطه‌ای که بر منابع اسلامی داشته، توانسته است بهترین آموزه‌های دینی، اخلاقی، اجتماعی، ادبی و مواعظ را به رشته تحریر درآورد. سعدی شاگرد مکتب اسلام و فرهنگ ایرانی - اسلامی است. این دو آبشخور زلال از عواملی هستند که اشعار سعدی را شاخص و برجسته ساخته‌اند. درباره ابونواس نیز باید گفت:

«بیشتر پژوهشگران و تاریخ‌نگارانی که زندگی او را مورد بررسی و کنکاش قرار داده‌اند، وی را فردی فاسد و بی‌مسئولیت دانسته‌اند، اما از دیگر سوی، تأکید ورزیده‌اند که او حافظ قرآن کریم بود و به قرائت‌های هفتگانه آگاه و درباره ناسخ و منسوخ، آیات محکم و متشابه صاحب نظر بوده است. گفته‌اند که او متکلمی زبردست بود و یکی از بزرگان علم کلام به‌شمار می‌آمد. در علم روایت نیز سرآمد دیگران بود. او احادیث بسیار حفظ بود و راه‌های تشخیص احادیث درست از نادرست را به‌خوبی می‌شناخت. نه تنها راوی بود، بلکه اصحاب حدیث از او روایت کرده‌اند و گفته‌اند که او فقیهی آگاه به احکام و فتوا نیز بوده است» (هادی‌پور نهزمی، ۱۳۸۷: ۲۳۶).

ابونواس «قرآن را نزد حضرمی، امام قاریان بصره، آموخت» (ابن‌منظور، ۱۹۹۵: ۱۲-۱۵) و چنان‌که از اشعار ابونواس دریافت می‌شود، او به علوم دینی واقف بوده است. وی در دوران جوانی، به دلیل اینکه بیشتر اشعار خود را در حالت مستی سروده، این مفاهیم دینی را به سُخره گرفته است، ولی با فروکش کردن دوران جوانی و با نمایان شدن آثار پیری در جسم و جاننش، ترس از مرگ بر او چیره گشت و از مفاهیم دینی در ترویج اندیشه‌های تعلیمی خود بهره جست.

درباره گرایش سعدی به آداب و رسوم و اندیشه‌های ایران باستان نیز می‌توان گفت که آنچه مسلم است، اینکه هر ملتی زادبوم و اندیشه‌های گذشته خود را دوست دارد و این علاقه او را به توجه بیشتر و عمیق‌تری نسبت به فرهنگ و اندیشه‌های نیاکانش متوجه می‌سازد. سعدی نیز از جمله شاعرانی است که به اندیشه‌های کهن ایرانی اهتمام داشته است و سعی در بهره‌گیری از این اندیشه‌ها در مضامین تعلیمی خود داشته است.

در باب گرایش ابونواس به اندیشه‌های ایران باستان نیز باید گفت که پس از ورود اعراب به ایران، شاعرانی ایرانی‌تبار در قلمرو حکومت پا نهادند که زبان و سنت‌های

عربی را نیک می‌دانستند، ولی پیوسته می‌کوشیدند تا اندیشه‌های ایرانی را وارد زبان عربی نموده، هویت ایرانی را زنده نگه دارند. یکی از سرآمدان این حرکت، ابونواس بود، چنان‌که «هنگام بررسی مضامین شعر ابونواس ملاحظه شد که شاعر گویی نماینده پرقدرت فرهنگ ایرانی در شعر عربی است» (آذرنوش، ۱۳۷۳: ۳۶۳). اندیشه‌ها و تمدن ایران باستان در دوره‌های مختلف تاریخ قوم عرب، بر آداب و رسوم و یا حتی ادبیات آنها تأثیر زیادی گذاشته است. ابونواس از جمله شاعران ایرانی تباری بود که در اهواز متولد شد. شعر او بر علاقه‌اش به تاریخ ایرانیان و تمدن ایران باستان دلالت دارد، به گونه‌ای که برخی پژوهشگران بر این باورند که مهم‌ترین مظاهر تمدن پارسی که در دیوان شاعر به چشم می‌خورد، عبارت است از: ایوان کسری، نام پادشاهان ساسانی، جشن‌ها و شهرستان‌های باستانی ایران (ر.ک؛ میرزایی و رحمتی ترکاشوند، ۱۳۸۹: ۲۲۰). چنین امری این موضوع را به ذهن متبادر می‌سازد که ابونواس به سبب داشتن اصالت ایرانی و علاقه‌اش به فرهنگ و تمدن ایران باستان، از اندیشه و حکمت‌های ایران باستان نیز بی‌بهره نمانده است و از حکمت ایرانی متأثر شده است؛ برای نمونه، می‌توان به ابیاتی اشاره کرد که ابونواس در وصف پادشاهان ساسانی سروده است:

«أَلَمْ تَرَ مَا بَنَى كِسْرَى وَ سَابُورُ لِمَنْ عَبَّرَا»
(ابونواس، ۱۴۲۵ق: ۴۱۹).

یعنی؛ «آیا نمی‌بینی که کسری و شاپور برای گذشتگان چه چیزها ساختند؟!».

«فَأَيْنَ الْبَدْوُ مِنْ إِيْوَانَ كِسْرَى وَ أَيْنَ مِنَ الْمَيَادِينِ الزُّرُوبُ»
(ابونواس، ۱۴۲۵ق: ۳۱).

یعنی؛ «عرب بیابانگرد کجا و ایوان کسری کجا؟! میدان‌های شهر کجا و اُغل‌های چهارپایان کجا؟!».

در واقع، ابونواس در مرز دو فرهنگ ایرانی و عربی رشد یافته است و این امر موجب شده تا شعرش از اندیشه ایران باستان و معارف اسلامی بی‌تأثیر نماند.

یکی دیگر از مواردی که بیشتر افراد در بررسی تشابه مضامین بین دو شاعر از آن غافل شده‌اند، امر توارد است. توارد در اصطلاح ادبی آن است که دو شاعر بدون آگاهی از حال و سخن یکدیگر، شعری را عیناً مثل هم سروده باشند، چنان‌که در نظر دیگران، یکی از افراد مورد اتهام سرقت ادبی قرار می‌گیرد. مضامین ادب فارسی و عربی نیز به سبب نزدیک بودن دو فرهنگ فارسی و عربی، از اصل توارد بی‌بهره نمانده‌اند و شاید بتوان گفت که تشابه شعر تعلیمی میان ابونواس و سعدی، در برخی موارد می‌تواند از باب «توارد خاطر» باشد.

نتیجه‌گیری

درباره فرضیه مطرح شده در مقاله می‌توان گفت که سعدی در سرودن برخی مضمون‌های حکمت‌آمیز از شعر و حکمت ابونواس اثر پذیرفته است، هرچند این

شعر تعلیمی ابونواس و سعدی در آینه ادبیات تطبیقی

تورج زینی‌وند و رضوان محمّدی

مضمون‌ها در اشعار سعدی با بسامد بیشتری هنرنمایی می‌کند. این همسانی بیشتر در مضمون‌هایی چون ذخیره توشه آخرت، دنیا، گذر جوانی، نفس، صبر، آرزو، ثروت و مرگ نمود یافته است. از علل تشابه برخی مضمون‌های حکمی در شعر این دو شاعر می‌توان به سه اصل زیر اشاره کرد:

الف) شالوده افکار و اندیشه‌های حکمی هر دو شاعر از مفاهیم و آموخته‌های دینی تشکیل شده است و بهره زیادی از آیات قرآن، نهج البلاغه و احادیث برده‌اند. البته این امر نیز در باب ابونواس قابل ذکر است که او در برخی مواقع، به دلیل اینکه بیشتر اشعار خود را در حالت مستی سروده است، این مفاهیم دینی را به سخره گرفته، اما در زمان پیری با تغییر نگاهش نسبت به دنیا و آخرت، از آنها در ترویج اندیشه‌های تعلیمی خود بهره برده است.

ب) اصل دوم، بهره‌گیری هر دو شاعر از حکمت ایرانی است. سعدی و ابونواس به دلیل داشتن اصالت ایرانی، از مضمون‌های حکمی ایران باستان نیز بی‌بهره نمانده‌اند. در واقع، برخی مضمون‌های حکمی این دو شاعر، ریشه در فرهنگ ایران باستان دارد.

ج) اصل توارد، به معنای آمدن موضوعات مشترک در ذهن دو یا چند نفر است و به سبب مشترکات فرهنگی و آموزه‌های تعلیمی مشترک، بین دو فرهنگ فارسی و عربی، می‌توان گفت که اصل توارد یکی از علل تشابه مضامین حکمی در شعر سعدی و ابونواس است.

تفاوت‌هایی نیز در مضمون‌های این دو وجود دارد؛ از جمله: گستردگی اشعار حکمی سعدی نسبت به شعر حکمی ابونواس، بهره‌گیری سعدی از تمثیل و حکایت در بیان مضمون‌های تعلیمی و اثرگذاری بیشتر سعدی بر مخاطب، در حالی که ابونواس به این امر توجهی نداشته است. سعدی با سرودن شعر تعلیمی و حکمی در جستجوی مدینه فاضله و رسیدن به آن است، اما شعر تعلیمی ابونواس تبلور پشیمانی دردمندان و از سر ترس است و سعدی از زاویه معنویت و ابونواس از زاویه مادی‌گرایی به امور نگرسته است. افزون بر این، نگاه ابونواس به هستی، نگاهی بدبینانه است، اما زاویه دید سعدی همراه با خوشبینی است

پی‌نوشت‌ها

۱- محفوظ این بیت ابونواس را برابر با بیتی از شعر سعدی با این مضمون دانسته است:

«ز بیگانه پرهیز کردن نکوست که دشمن توان بود در زی دوست»
(محفوظ، ۱۳۷۷: ۱۹۱).

۲- رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنَّ الدُّنْيَا سَجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِ وَ الْمَوْتُ جِسْرٌ هُوَ لِأَيِّ جَنَانِهِمْ وَ جِسْرٌ إِلَى جَحِيمٍ: همانا دنیا، زندان مؤمنان و بهشت کافران است و مرگ پلی است که مؤمنان را به سوی بهشت و کافران را به سوی دوزخ می‌کشد» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۸۸).

۳- امام علی (ع) می‌فرماید: «فَأَجْعَلُوا اجْتِهَادَكُمْ فِيهَا التَّزَوُّدَ مِنْ يَوْمِهَا الْقَصِيرِ لِيَوْمِ الْآخِرَةِ الطَّوِيلِ: کوشش شما در دنیا این باشد که از این چند روزه کوتاه برای روزهای بلند آخرت توشه بگیرید» (محمودی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۱۵۰).

۴- در روایتی از رسول خدا (ص) آمده است: «الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ: دنیا کشتزار آخرت است» (احسائی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۲۶۷).

۵- «قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّبْرُ يُعَقِّبُ خَيْرًا، فَاصْبِرُوا تَطْفُرُوا: امام صادق (ع) فرمود: عاقبت صبر و شکیبایی، خیر است. بنابراین، صبر کنید تا پیروز شوید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱: ۹۶) و «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصَّبْرُ كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ: پیامبر خدا (ص) فرمود: صبر و شکیبایی گنجی از گنج‌های بهشت است» (همان: ۱۳۲).

۶- این مضمون مقتبس از این آیه شریفه است که می‌فرماید: ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (الإنشراح/ ۵-۶).

۷- امام علی (ع) می‌فرماید: «لِكُلِّ امْرِءٍ فِي مَالِهِ شَرِيكَانِ: الْوَارِثُ وَالْحَوَادِثُ» (نهج‌البلاغه/ ج ۴۲۱).

۸- امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ أَطَالَ الْأَمَلَ، أَسَاءَ الْعَمَلَ: از بدی عمل، درازی آرزوست» (نهج‌البلاغه/ ج ۳۳۶).

۹- «قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَفْضَلُ الْجِهَادِ جِهَادُ النَّفْسِ عَنِ الْهَوَى، وَ فِطَامُهَا عَنِ لَذَاتِ الدُّنْيَا: امام علی (ع) فرمود: برترین جهاد، مبارزه کردن با هوای نفس و بازگرفتن آن از لذت‌های دنیاست» (خوانساری، ۱۳۵۹: ۴۷۲).

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه. (۱۳۸۲). ترجمه محمد دشتی. قم: بقیة‌الله.

آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۷۳). «شعر ابونواس». دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. ج ۶، چ ۱. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. صص ۳۴۱-۳۶۸.

ابن بابویه قمی، محمدبن علی. (۱۳۷۷). معانی الأخبار. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.

ابن‌المعتز، عبدالله بن محمد. (۱۹۵۶م). طبقات الشعراء المحدثین. تحقیق عبدالستار احمد فراج. القاهرة: دارالمعارف بمصر.

ابن‌منظور، محمدبن مکرم. (۱۹۹۵م). أخبار أبي نواس. بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.

۱۱۹ شرح تعلیمی ابونواس و سعدی در آینه ادبیات تطبیقی

تورج زینی‌وند و رضوان محمّدی

أبونواس، حسن بن هانی. (۱۴۲۵ق.). *دیوان ابی‌نواس*. حقیقه و شرحه: أحمد عبدالمجید غزالی. بیروت: دارالكتاب العربی.

احسائی، محمّد بن أبی‌جمهور. (۱۴۰۳ق.). *عوالی اللّثالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة*. ج ۱. قم: مطبعة سیدالشهداء علیه‌السلام.

البغدادی، الخطیب. (۱۹۳۱م.). *تاریخ بغداد*. القاهرة: مكتبة الخانجي.

خلیلی جهان‌تیغ، مریم. (۱۳۷۹). «آب حیات من است، خاک سَرِ کوی دوست (تأثیرپذیری سعدی از نهج‌البلاغه)». *فرهنگ*. ش ۳۳-۳۶. صص ۱۷۵-۱۸۸.

خوانساری، جمال‌الدین محمّد. (۱۳۵۹). *شرح غرر الحکم و درر الکلم*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

سعدی شیرازی، مصلح‌بن عبدالله. (۱۳۸۸). *کلیات سعدی*. تصحیح محمّدعلی فروغی. تهران: طلوع.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۸). *تاریخ ادبیات ایران*. به تلخیص محمّد تراپی. ج ۲. تهران: فردوس.

عبدالقادر رازی، محمّد بن أبی‌بکر. (۱۳۷۱). *امثال و حکم*. تصحیح فیروز حریرچی. تهران: دانشگاه تهران.

الفاخوری، حنا. (۱۳۸۶). *تاریخ ادبیات عرب*. عبدالحمّد آیتی. تهران: توس.

مجلسی، محمّدباقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار؛ الجامعة لِدَرْ الأخبار الأئمة الأطهار*. ج ۷۱. بیروت: مؤسسه الوفاء.

محمّدباقر، حسین‌علی. (۱۳۷۷). *متنبی و سعدی و ماخذ مضامین سعدی در ادبیات عربی*. تهران: روزنه.

محمود، محمّدباقر. (۱۴۱۸ق.). *نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه*. تصحیح عزیز آل‌طالب. ج ۳. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

میرحسینی، سید محمّد و مسلم مقصودی. (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی زهدیات ابونواس و سنایی». *نشریه ادبیات تطبیقی دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. دانشگاه شهید باهنر کاشان. دوره جدید. ش ۵. صص ۲۷۹-۳۰۳.

میرزایی، فرامرز و مریم رحمتی ترکشوند. (۱۳۸۹). «بررسی و تحلیل برخی از وام‌واژه‌های فارسی دیوان ابونواس». *فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)*. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۹). دوره جدید. ش ۲. صص ۲۱۷-۲۴۲.

هادی‌پور نهزمی، یوسف. (۱۳۸۷). «ابونواس - شاعر ایرانی در بوتۀ نقد و داوری تاریخ». *پژوهشنامه فرهنگ و ادب*. دوره ۴. ش ۶. صص ۲۳۵-۲۵۷.